

حضور اسطوره‌ها در ادبیات امروز سوئد

گونیللا بورن (Gunilla Boren)

ترجمه: نسرین وکیلی

بسیاری از کشورهای دیگر، دین یک مسئله شخصی است و ما در مورد دین، برای بچه‌ها هیچ نوع تبلیغی نمی‌کنیم.

اما به هر حال در ادبیات ما، مضامینی مانند اخلاق، حقوق بشر، روابط خوب میان انسان‌ها، آزادی و مسئولیت و مضامینی نظیر این‌ها که در کتاب‌های دینی وجود دارند، مطرح می‌شوند. کتاب‌های جدید ما دربارهٔ بشریت هستند و نه دربارهٔ خدا. بنابراین، موضوع صحبت من، امروز دربارهٔ اسطوره‌های کهن سوئدی و موجوداتی است که در فولکلور ما وجود دارند.

در روزگاران گذشته، مردم اسکاندیناوی دینی خاص خود داشتند که «آساترو» (ASATRO) نامیده می‌شد (اعتقاد به خدایانی به نام آساها). این دین کاملی بود و خدایان آن دارای سلسلهٔ مراتب بودند و اُدین (Oden) قادر و توانا، خدای خدایان بود و در کنار او خدایانی نظیر خدای باروری، خدای جنگ و دیگر خدایان وجود داشتند. این دین، البته سنت‌های ابتدایی مانند قربانی کردن انسان داشت، اما در عین حال با سؤالات همیشگی دربارهٔ زندگی و مرگ، شرافت و عدالت، خوبی و بدی درگیر بود؛ سؤالاتی که در همهٔ ادیان مطرح بود. حدود ۱۰۰۰ سال قبل، دین آساترو تحت سیطرهٔ مسیحیت درآمد، اما تا زمانی طولانی باز هم باقی بود. خدای خدایان، اُدین مردی سال‌دیده، بسیار دانا و جدی بود که از آب



ادبیات کودکان ما - در سوئد - موجب افتخار ماست. نویسندگان برجسته و تصویرگران برجسته‌ای داریم، اما امروز دربارهٔ آن‌ها صحبت نخواهم کرد؛ زیرا موضوع این کنفرانس (که امروز در آن شرکت دارم) دین است. بهترین‌های ادبیات ما ارتباط چندانی با دین ندارند. در سوئد مانند

چشمه خرد نوشیده بود.

به یمن وجود دو کلاغ او، یعنی هوگین و مونین (Hugin & Munin) که میان مردم چرخ می‌زدند و همه چیز را به اطلاع او می‌رساندند، از آن‌چه روی کره زمین رخ می‌داد، آگاه بود. محبوب‌ترین خدا تور (Tor) بود؛ قهرمانی بزرگ و قوی که به باران و تندر و باد و خورشید فرمان می‌راند. هنوز این گفته بین مردم متداول است که می‌گویند هرگاه صدای توفان و رعد و برق می‌شنوی، به این جهت است که تور ارباب خود را در آسمان می‌راند.

فرژ (Frej) خدای صلح و باروری بود و فرژا (Freja) الهه عشق. خدایان بسیار دیگری با ویژگی‌های خاص خود وجود داشتند و داستان‌های بسیاری درباره زندگی و اعمال آن‌ها گفته شده است. بین جایگاه خدایان و مکانی که انسان‌ها زندگی می‌کردند، پلی از رنگین‌کمان وجود داشت. در آن باورهای کهن، غول‌هایی قوی اما احمق و نیز کوتوله‌ها (dwarf) وجود داشتند. کوتوله‌ها خیلی زیرک (باهوش) و نسبتاً شرور بودند، اما در کارهای دستی، به خصوص فلزکاری مهارت داشتند. خدایان اغلب با غول‌ها می‌جنگیدند و آن‌ها را فریب می‌دادند، اما با کوتوله‌ها که بهترین ابزار جنگی را برای‌شان می‌ساختند، کنار می‌آمدند.

آیا این دین‌های کهن و این خدایان باستانی، نقشی در زندگی امروز دارند؟ به نوعی بلی. به عنوان مثال، وایکینگ‌ها دین خود را در سفرهای تجاری دریایی، به جزایر بریتانیا بردند و بسیاری از باورهای دینی آن‌ها در آن‌جا ریشه گرفت. ما هنوز از اسامی خدایان آسآه برای روزهای هفته استفاده می‌کنیم؛ مانند تیس‌داگ (Tisdag)،

آنس‌داگ (Ansdag)، تورس‌داگ (Torsdag) فرداگ (Fredag) که برخی از این نام‌ها به نوعی در اسامی انگلیسی هم وجود دارند.

به عنوان مثال Thursdag روز تور (Tor) و Fridag روز (Frej) است. نام این خدایان را روی شهرها، روستاها و مکان‌ها هم می‌بینیم. طی قرن‌ها هنرمندان پیکر تراش، نقاش و موسیقی‌دان از داستان‌هایی که درباره این خدایان باستانی گفته شده، الهام گرفته‌اند؛ کما این‌که اسطوره‌های یونان روم باستان، برای هنرمندان سراسر اروپا منبع الهامی به وجود آورده است.

و اما تأثیر این منابع الهام بر ادبیات و به خصوص ادبیات کودکان، چگونه بوده است؟ ابتدا باید بگویم که بخش عمده‌ای از ادبیات کودکان سوئد واقعگرا، روان‌شناسانه، مدرن و در ارتباط با کودک و نوجوان امروز است. ما طیف وسیعی از ادبیات داریم که اسطوره‌ها را هم دربرمی‌گیرد. البته به آن باورهای کهن، امروزه به چشم یک دین نگاه نمی‌شود. اسطوره‌ها به این دلیل احیا می‌شوند و محبوبیت دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند که داستان‌های هیجان‌انگیز، زیبا و سرگرم‌کننده دارند و فضاهای خاص و جنگ‌های مقدس، به آن‌ها جلوه ویژه‌ای می‌دهد. ما بخشی از این ویژگی‌ها را در ادبیات انگلستان، در کتاب «ارباب حلقه‌ها» اثر تولکین، نویسنده انگلیسی و یا در بعضی آثار فانتزی آلن گارنر (Alan Garner) که برای نوجوانان نوشته است، مانند سنگ جادویی بریسینگامین (Weirdstone of Brisningamen) می‌بینیم. بریسینگامین، گردنبند شگفت‌انگیز فرجا (Freja) است. مثال‌هایی از این دست، فراوان است، اما سخنانم را به سه نوع کتاب متفاوت، محدود می‌کنم.

یک نوع آن داستان‌های اساطیری است که به نحو جذابی برای کودکان گردآوری، انتخاب و روایت شده‌اند؛ مانند «دربارهٔ چکش تور» (Tor)، اثر لناستی سیل (Lena Stiessel). برخی از آن داستان‌ها دربارهٔ تور (Tor) است که بسیار مورد توجه‌اند. تور اغلب بر غول‌های قدرتمندی که در سحر و جادو کارآمد هستند، فائق می‌آید. به عنوان مثال، برای مسابقهٔ بهترین نوشنده، تور با غولی به رقابت می‌پردازد. او سعی می‌کند آب درون شاخ گاو را بنوشد و آن را خالی کند (از شاخ گاوها به

نحو جذابی برای کودکان گردآوری، انتخاب و روایت شده‌اند؛ مانند «دربارهٔ چکش تور» (Tor)، اثر لناستی سیل (Lena Stiessel). برخی از آن داستان‌ها دربارهٔ تور (Tor) است که بسیار مورد توجه‌اند. تور اغلب بر غول‌های قدرتمندی که در سحر و جادو کارآمد هستند، فائق می‌آید. به عنوان مثال، برای مسابقهٔ بهترین نوشنده، تور با غولی به رقابت می‌پردازد. او سعی می‌کند آب درون شاخ گاو را بنوشد و آن را خالی کند (از شاخ گاوها به



نوع دیگری از داستان‌ها، همان داستان‌هاست که به روایت دیگری نقل می‌شوند؛ مانند کتاب «هوگین و مونین» که دربارهٔ خدایان Nordie سخن می‌گویند. هوگین و مونین را به خاطر می‌آوردید؟ کلاغ‌های اِدِن را که بین مردم می‌چرخند و برای او خبرچینی می‌کنند؟ Erik Hjør Nielsen هنرمند دانمارکی تبار، در این کتاب تصویری خود، از کلاغ‌هایی می‌گوید که در آشیانهٔ خود برای فرزندان‌شان دربارهٔ کارهای خدایان صحبت می‌کنند. بچه کلاغ‌ها از بزرگ‌ترهای‌شان دربارهٔ جزئیات سؤال می‌کنند و جواب می‌گیرند؛ درست مانند خانواده‌های معمولی.

به این ترتیب، داستان‌ها برای بچه‌های کوچک‌تر، هم سرگرم‌کننده می‌شود و هم آسان‌تر. گونهٔ فانتزی که در بین بچه‌ها و نوجوانان بسیار محبوبیت دارد، معمولاً شامل دنیاهاى تخیلی است و دنیای خدایان نروژی، منبع الهامی برای نویسندگان رمان‌های فانتزی به حساب می‌آید. برای نمونه، رمان شبِ جانِ مقدس (The Night Gull Åkerblom of Saintjohn) نویسندهٔ سوئدی که دربارهٔ دختری سیزده ساله در جامعهٔ امروزی سوئد است. سحر در این داستان، به این شکل رخ می‌نماید که خدایان و الهه‌های باستانی، به شکل گربه‌ها تغییر شکل داده‌اند و شیطان به شکل یک ناظم مدرسه که همسایهٔ دختر هم هست، درمی‌آید. چندین موجود اسطوره‌ای در این داستان نقش دارند و قبل از

عنوان لیوان استفاده می‌شد)، اما فقط می‌تواند مقدار بسیار کمی از سطح آب درون شاخ‌ها را بنوشد. غول نیرنگ‌باز، به چشمان تور گرد و خاک می‌پاشد تا نتواند ببیند که شاخ‌ها (لیوان) به دریا متصل هستند. با وجود این، تور نوشندهٔ قهارى بود و تقریباً آب دریا را تمام کرد.

هم‌چنین، این داستان‌ها دربارهٔ چگونگی آفرینش بهشت و زمین هستند و نیز دربارهٔ انهدام نهایی دنیا که با آتش مهیبی به نام رَگناروک

عامیانه سوئدی، نقش چندانی ندارند. این آدم کوچولوها، اغلب به مزرعه‌ای تعلق دارند و در آن‌جا زندگی می‌کنند و اگر آن خانواده خوب و شایسته و سخت‌کوش باشند، به آن‌ها کمک می‌کنند. در غیر این صورت، کوتوله‌ها که تومته (tomte) هم نامیده می‌شوند، آن خانواده را تنبیه و بیچاره می‌کنند. تومته‌ها در قرن حاضر، تغییر یافته و به شکل بابائوئل درآمده‌اند که در مراسم کریسمس، به بچه‌ها هدیه می‌دهند. همه ساله داستان‌های زیادی درباره بابائوئل نوشته می‌شود.

● گونه فانتزی که در بین بچه‌ها و نوجوانان بسیار محبوبیت دارد، معمولاً شامل دنیاهای تخیلی است و دنیای خدایان نروژی، منبع الهامی برای نویسندگان رمان‌های فانتزی به حساب می‌آید

البته، شخصیتی دیگر هم وجود دارد که ما آن را "Troll" می‌نامیم. برای شناخت خرافه‌ها و تأثیر محبوبیت موجوداتی نظیر ترول‌ها (Troll)، شیطانک‌ها و دیگر موجودات مافوق طبیعی، می‌بایست اطلاعات مختصری از شرایط جغرافیایی و آب و هوای سوئد داشت. سوئدی‌ها عاشق طبیعت، جنگل‌ها و دریاچه‌ها هستند. گستره وسیعی از کشور سوئد را جنگل‌ها پوشانده‌اند. این جنگل‌ها شگفت‌انگیزند، اما کمی هم خطرناکند و معمولاً آن‌چنان بزرگند که بچه‌ها به راحتی در آن گم می‌شوند. در آن‌جا می‌توان صخره‌ها، قلوه سنگ‌ها، جویبارها، باتلاق‌ها و

این‌که دختر نوجوان، دنیا را شجاعانه نجات دهد، ماجراهای بسیار وحشتناکی رخ می‌دهد. او دنیای مدرن را از خطر یک حاکم مستبد احتمالی می‌رهاند. کتاب‌هایی که به آن‌ها اشاره کرده‌ام، بسیار نزدیک به اسطوره‌ها هستند، اما در افسانه پریان یا در قصه‌های عامیانه هم غول‌ها و کوتوله‌هایی را از دنیای خدایان می‌یابیم که نقش‌های دیگری به عهده دارند. غول‌ها هم چنان بزرگ، قوی، شیطانی و احمق هستند، اما قدرت جادویی ندارند و معمولاً از یک پسر بیچه شجاع و باهوش شکست می‌خورند. مانند افسانه پریانی که در آن، پسری با غولی که قصد کشتن او را دارد، رودررو می‌شود. پسر ترتیب برگزاری مسابقه‌ای را با غول می‌دهد تا معلوم شود کدام یک پرخورترند. غول ظرف‌های پر از حلیم را پشت سر هم خالی می‌کند؛ پسر هم همین‌طور، اما وقتی غول حواسش به خوردن است و به چیز دیگری توجه ندارد، پسرک مقدار زیادی از حلیم خود را در کیسه‌ای که زیر پیراهن خود پنهان کرده است، می‌ریزد. زمانی که غول، دیگر جایی برای خوردن - حتی یک قاشق - ندارد، پسر به خوردن ادامه می‌دهد. آن وقت غول می‌پرسد: «تو یک وجب بیچه نخس، چطور می‌توانی این همه بخوری؟» و پسر می‌گوید: «خوب، وقتی شکم پر می‌شود، خالی‌اش می‌کنم» و بعد چاقوی کوچک خود را برمی‌دارد و به کیسه‌ای که زیر لباس خود پنهان کرده است، فرو می‌کند و همه حلیم‌ها روی میز می‌ریزد.

غول می‌گوید: «چه کار خوبی!» او هم بی‌درنگ شکم خود را پاره می‌کند و البته می‌میرد. به این ترتیب، پسر بیچه از دست غول بدجنس خلاص می‌شود.

کوتوله‌ها در افسانه‌های پریان و داستان‌های

کوه‌ها را دید. پدر و مادرها نمی‌خواهند بچه‌های کوچک‌شان به تنهایی در جنگل بازی کنند؛ چون ممکن است گم شوند، در باتلاق فرو روند و از تخته سنگ‌ها پرت شوند. در نتیجه، بزرگ‌ترها با صحبت کردن دربارهٔ g°nome - ترول‌ها - جادوگران و یا حتی شیطانک‌ها، آن‌ها را می‌ترسانند و مانع رفتن‌شان به جنگل می‌شوند. در زمان‌های قدیم نه تنها بچه‌ها این موجودات خطرناک را باور داشتند، بلکه بزرگ‌ترها هم به این خرافه‌ها معتقد بودند. البته، آن‌ها از راست یا دروغ

● بسیاری از جوانان ما به مهاجرین کینه می‌ورزند و درگیر تظاهرات خشونت‌آمیز نژادپرستانه‌اند. آن‌ها نظر خود را با ایدئولوژی نازی‌ها هماهنگ می‌کنند، اما به عنوان ملی‌گرایان متعصب، عمیقاً در تاریخ ما کند و کاو می‌کنند و به دین باستانی «ASATRO» رسیده‌اند

بودن قصه‌ها مطمئن نبودند.

به جز تابستان، در بقیه اوقات، تمام کشور ما، گرفته و تاریک است؛ مگر این که یک روز آفتابی یا برفی داشته باشیم؛ در نتیجه، وقتی زیر درختان بزرگ صنوبر که معمولاً تاریک است، بایستید، به وضوح نمی‌توانید چیزی را تشخیص دهید. بنابراین، فقط این‌طور نیست که اگر بچه کوچکی باشید و به تنهایی یا حتی با دوست خود وارد

جنگل شوید، آن‌جا را مکانی پر از راز و رمز بیابید. سنگ‌ها و درخت‌ها ممکن است به شکل ترول‌ها یا غول‌هایی که خوابیده‌اند، به نظر بیایند.

g°nome یا ترول چه شکلی دارد؟ چندی‌تایی از آن‌ها را نشان می‌دهم! می‌توانند بزرگ یا کوچک باشند، اما معمولاً قوی هستند. سری بزرگ، پاهایی بزرگ و دم بلندی دارند. صورت زشتی دارند، یا دماغ بزرگ، چشم‌هایی خیلی ریز و گوش‌هایی بزرگ و موهایی پرپشت و ژولیده.

باید بگویم ترول‌ها و غول‌ها تقریباً یکی هستند. ترول بزرگ، همان غول است. غول‌ها در جنگل‌ها، در غارهایی که زیر صخره‌های بزرگ قرار دارند و یا در کوه‌ها زندگی می‌کنند. آن‌ها ثروتمند هستند و طلا دارند. گاهی کشاورزان را از بیرون جنگل می‌ربایند و رمه‌های‌شان را می‌برند. هم‌چنین، می‌توانند شاهزاده خانمی را بدزدند و آن‌وقت شاهزاده و یا مرد جوان معمولی دیگری باید او را نجات دهد تا هم شاهزاده خانم و هم حکومتِ نیمی از سرزمین را به دست آورد.

افسانه‌های پریان و داستان‌هایی نظیر آن‌ها بسیار محبوب بچه‌ها هستند و بارها و بارها به شکلی تازه و زیبا روایت و چاپ می‌شوند. این موجودات افسانه‌ای کهن، نه تنها در افسانه‌های پریان، بلکه در همهٔ انواع کتاب برای کودکان، جانی دوباره یافته‌اند.

نویسندگان در داستان‌های خود، بین این موجودات افسانه‌ای - ترول‌ها، جادوگرها، اژدهاها و غول‌ها - و بچه‌های عادی (مخاطبین کتاب‌ها) رابطهٔ دوستی برقرار می‌کنند تا بچه‌ها این تجربه را هم داشته باشند که موجوداتی که ظاهری زشت دارند، ممکن است قلبی بسیار مهربان داشته باشند. در مورد این نوع ادبیات، بحث‌های بسیاری

حال، نوعی باور کهن و حتی می‌توان گفت دینی‌اند و معتقدم که در تمام ادیان، نیروی عظیمی وجود دارد. اسطوره‌ها درباره پرسش‌های همیشگی و پراهمیت بشر صحبت می‌کنند. ممکن است فکر کنید که یک دین مشخص، جواب‌های مناسبی برای پرسش‌های شما دارد. ممکن است که شما آن جواب‌ها را رد کنید، اما به هر حال نیرویی وجود دارد که می‌تواند هم به نفع خیر و هم به نفع شر به کار رود.

نازی‌ها در آلمان، در دهه ۱۹۳۰، اسطوره‌های قدیمی را انتخاب و از آن‌ها به عنوان نمادهای دین قدیمی، به شکل نادرستی مانند Svasti استفاده کردند. ما امروزه هم می‌توانیم پدیده مشابهی را در سوئد ببینیم. بسیاری از جوانان ما به مهاجرین کینه می‌ورزند و درگیر تظاهرات خشونت‌آمیز نژادپرستانه‌اند. آن‌ها نظر خود را با ایدئولوژی نازی‌ها هماهنگ می‌کنند، اما به عنوان ملی‌گرایان متعصب، عمیقاً در تاریخ ما کند و کاو می‌کنند و به دین باستانی "ASATRO" رسیده‌اند. آن‌ها از چکش تور (Torg) به عنوان یک نماد برای این حرکت خود استفاده می‌کنند. در واقع، از یک باور باستانی بسیار ابتدایی، دقیقاً خلاف اصل آن استفاده می‌شود. چنین پدیده‌ای وحشتناک است و مسئله بزرگی برای سوئد به وجود آورده است. البته، این یک موضوع سیاسی است و نه ادبی و به هر حال، یادآور این واقعیت است که در دین نیروی عظیمی وجود دارد که می‌تواند هم در جهت شر و هم به نفع خیر به کار رود.

وجود داشته است. آیا ترساندن بچه‌ها از موجودات ترسناک ماوراءطبیعی، درست است یا آن‌ها احتیاج به راهی دارند که خود ترس‌های درونی خود را بشناسند؟

آن گروه از روان‌شناسان که مدعی‌اند بچه‌ها ترس‌های ذاتی دارند که بهتر است آن‌ها را مجسم و ابراز کنند، عقیده دارند که ترول‌ها و جادوگرها به سلامت ذهنی بچه‌ها کمک می‌کنند و می‌گویند نباید آن‌ها را خیلی بی‌خطر جلوه دهیم. از طرف دیگر، هنرمندان و والدین برای این موجودات سرگرم‌کننده که به شکل‌های متفاوت درآمده‌اند، ارزش قائل هستند و از آن‌ها لذت می‌برند و توانایی‌شان را در رشد قدرت تخیل کودکان مؤثر می‌دانند.

خلاصه این‌که باید بگوییم افسانه‌های جن و پری قدیمی، در ادبیات امروز کودکان سوئد حضور و نقش پررنگی دارند. شخصیت‌های قصه‌های عامیانه را در همه انواع کتاب تصویری و غیرتصویری می‌بینیم که برای کودکان نوشته می‌شوند. این داستان‌ها به این قصد نگاشته نمی‌شوند که بچه‌ها را بترسانند، بلکه برای سرگرم کردن و به هیجان آوردن آن‌ها نوشته می‌شوند و نیز به این دلیل که تخیل جادویی زیبای‌شان، به کودکان لذت می‌بخشد.

اسطوره‌ها تا اندازه‌ای با آن‌ها فرق می‌کنند. داستان‌هایی که درباره خدایان باستانی هستند، اکنون به شکل کتاب‌های تصویری سرگرم‌کننده و یا به صورت مجموعه داستان‌های مهیج تولید می‌شوند و یا این‌که در رمان‌های فانتزی مورد استفاده قرار می‌گیرند. البته اسطوره‌ها در عین